

حال اگر در روز روز و نوزدهم است - عابرها از اینچنین اتفاق افتاد -  
 روزیکه از درش روانه شدیم با چند کسان اعرام یا عمره تحت الصخره  
 بسایم و در شغرف چوبی مشتمل بر سواری دو کس و سه راس بغله  
 ران سواری جمله بگرایه پانصد قروش مقرر کردیم بشرط آنکه از  
 قدس تا ذلیل الرحمن و از اینجا تا یاغا در اشدت روز بدرج رود  
 و جایکا بیارک انبیا علیهم السلام و دیگر مقامات مشرف که بعد  
 از اینجا عابرها بسویت مولوی حضرت شاه محمد عمر صاحب قبله  
 بر شغرف چوبی سوار شد و با شجره دانست که نسبت ران سواری  
 درین عاقبت است - وقت اول عصر نهضت کردیم و  
 مغرب در بیت اللحم فرود آمدیم و شب اینجا گذرانیدیم \* بدانکه  
 بیت اللحم محل ولادت سیدنا عیسی علیه السلام است  
 و آنرا قضبان عظیم است و منامیت از مقامات مشرف که مذکور  
 در آیه کریمه فاجاءها المعاض الی جذع النخلة چون شقیع  
 المذنبین صلی الله علیه و سلم در آن محل شب سراج شریف  
 آورد چه دریل علیه اسلام گفت که حضرت فرود آمد از سواری و نماز  
 خواند از اینجا چنانچه فرود آمد و نماز کرد - پس جبرئیل علیه السلام  
 لغت اندری این صلیت بیت لحدیث و لید عیسی علیه السلام \*  
 منقولست که سیدنا عیسی الله این عمرو بن العاص رضی الله عنه را معمول  
 بود که روغن برای مسریج در بیت اللحم دایما سیفر ستاد - و به  
 سیمیه جز اینجمله روز دیگر بسایم بر سیده که بزمان باستان بدست

المهندس دارالسلطنت بود آبادش انقدر که بیت اللحم  
 محله از آن بود مذبح بقدر غم و الله عالم بالصواب و اکنون فریاد است  
 کبیره و مجمع چند قوم نصاری که روحی و انگلیشیه و ارمنی و روسی  
 و فرانسوی و نسائیگو یاتد کایسای عظیم ساخته اند و محفل  
 ولادت عیدنا عیسی علیه السلام را در بد اختیار خود داشته اند  
 و آن مکان را از شیشه آلات و غیره خوب آراسته اند -  
 اهل صاحب مفتاح اگر چه نصاری روسی لیکن خدمت گذار اینجا  
 جمله قوم نصرانی - بدین جهت هر یکی از طرف خود اهتمام مزید  
 دارند و احوالات فراوان بکار می برند - یادریان این قوم در آن  
 محفل مصروفه انجیل خوانی - تسبیحین در زبانین مشغول بظواهر  
 جنبانی - بعضی بنظاره تصاویر عیسوی مست - و بعضی محو آتش  
 پرستی تابعین زردشت - بعضی ناقوس کایسما در دست -  
 و بعضی باشعهای مومی آزر پرست - اهل اسلام را باوقات  
 مخصوصه راه دهند و باعث هجرت طبعی و شیطانیست جهانی  
 با طریقیان بگذارند \* در آن محفل عمارات عالیه و مکانات مرتفعه  
 بنا کرده اند و از صطان چهار و جلایب و استار در تارکیش  
 انداخته - روز شب شمعهای مومی در انجا نهاده و طایفه نصاری  
 از یکپا استاده - وقت زیارت چون نیک نگاه کردم در عین  
 محفل ولادت روزنی دیدم عدد بقدر چهار انگشت که حوالی آن  
 تابک یک شیراز پارانی طلا منشکل بشکل عزمی محکم و

چست و بر او حرفی چند در انگریزی نوشته اند و سجد و گاه  
 خود ساخته اند - معلوم شد که آن سوراخ از مهر چست و  
 علامت کیست - مهتم و خادم جناب عیسائی مشرب - بس  
 منایرت قوم و لسان مانع اظهار مطلب - لاجرم زیارت را  
 خنثیت و التیم - و محال زیارت ادراک نیافتیم - کسی  
 اگر از اهل اسلام می بود بیشک درین خصوص دست  
 و پا می زدیم و بی تحقیق می بودیم و اگر روزی ما در می بود در  
 تلاش آن چون مور می خزیدیم - الغرض تمام شب در بیت اللحم  
 ماندیم و صبح رخت سفر بستیم \*

## فصل نوزدهم

در زیارت سیدنا یونس علیه السلام به مقام حلحول \*

از بیت اللحم که روانه شدیم وقت ظهر بروضه سیدنا  
 یونس علیه السلام رسیدیم و آن خارج قریه البست مسمی  
 به حلحول - روضه اقدس از تکلفات ظاهری بری درد  
 دیوارش با گل گلی جز بعضی کاشکاران ده آنجا نه خارنی  
 و نه دربانی - و برخلاف دیگر مزارات آنجا نه خادمی و نه پاسبانی -  
 همان کاشکاران که آنرا قناعین گویند پییزی نهدست روضه و  
 سجد متعلقه آن بردازند \*



## فصل بیستم

در زیارت سیدنا ابراهیم خلیل و سیدنا اِسحاق و

سیدنا یعقوب مع ازواج هر یکان و سیدنا یوسف

علیهم الصلوٰة و السلام - و بعضی از ابناء الله مثل

حضرت ابوبکر شبلی و غیره علیهم الرحمة \*

وقت عصر به بلد سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام وارد شدیم  
 این بلد از قدیم حبرون نام دارد بفتح حاء حطی و سکون باء  
 موحد و در عرف منسوب با اسم حضرت علیه السلام گفته  
 و خلیل الرحمن گویند \* روایت است که هرگاه سلیمان علیه السلام  
 از بنا بیت المقدس فراغت فرمود و وحی آمد که ای ابن داؤد  
 عمارتی بنا کن بر قبر خلیل ما تا علامت باشد بعد تو - پس سلیمان  
 علیه السلام با قوم بنی اسرائیل از بیت المقدس بیرون آمد  
 و در کنعان رسید و کسی در تلاشش قبر گردید چون نشان  
 ندید و در بیت المقدس باز گشت - پس وحی آمد که ای سلیمان  
 حکم مایبگانه او روی عرض کرد که مقام قبر از نظر ما غایب است -  
 باز حکم شد - که بر رویه بین که نور می از آسمان می آید بر زمین  
 اینجا است قبر خلیل ما - بار دیگر سلیمان علیه السلام رفت و حکم فرمود  
 اجنه را تا بنا کردند عمارتی در موضعی که نام او را منذاسات قریب  
 قریه الحول که در اینجا قبر سیدنا یونس علیه السلام است \*

پس و حی آمد که این آن مکانیست که ترا گفته شده بود  
 نظر کن بمرکانه آن نور مندی است از آسمان تا زمین - باز  
 رفت هدیمان علیه السلام و آن نور مخصوصه را در بغمه از بقاع  
 جهنم یافت پس دانست که مکان مقصود انیست - چنانچه  
 مقبره را با کمال شان و تمکین بنا راست \* فضایل صیدنا  
 ابراهیم خلیل علیه السلام حاجت تحریر ندارد که ایه کریمه و اتخذ  
 الله ابراهیم خلیلاً - و دیگر سیاری آیات قرآنی موجود است \*  
 روایت است از انس بن مالک رضی الله عنه قال قال رجل للنبی  
 صلی الله علیه وسلم یا خیر الناس قال ذاک ابی ابراهیم صلی  
 الله علیه وسلم و فی رواة مسلم یا خیر البریه قال ذاک ابی ابراهیم  
 علیه السلام - شخصی بحضور سرور کائنات صلی الله علیه وسلم  
 خطاب کرد بلفظ یا خیر الناس حضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که  
 خیر الناس پدر ماست ابراهیم علیه السلام - و در روایت مسلم  
 لفظ خیر البریه است - فرمود که خیر البریه پدر ماست ابراهیم علیه السلام  
 روایت است از سید الکونین صلی الله علیه وسلم لما امری  
 بی الی بیت المقدس مرلی جبرئیل علیه السلام الی قبر  
 ابراهیم علیه السلام فقال انزل فصل هینا رکعتین فان هینا قبر  
 ایک ابراهیم علیه السلام و قریب در شب معراج بر بیت  
 المقدس آمد بر ما را جبرئیل علیه السلام طرف قبر ابراهیم  
 علیه السلام و گفت که حضرت فرود آید از موازی و نماز خوانید

اینجا دو رکعت که اینجا است قبر پدر تو ابراهیم علیه السلام \*  
 روایت است از سرور کاتبیات صلی الله علیه و سلم قال من  
 لم یکنه زیارتی فلیزر قبر ابراهیم علیه السلام فرسود که هر کجا  
 زیارت من ممکن نباشد بگو که زیارت کند قبر ابراهیم علیه  
 السلام را \* روایت است از کعب رضی الله عنه اکثروا زیارة  
 الی قبر رسول الله صلی الله علیه و سلم و اظهروا الصلوة علیه  
 و علی صاحبیه ابی بکر و عمر رضوان الله علیهما قبل ان تمنعوا  
 عن ذاک و یحال بینکم و بین ذاک بالفتن و الفساد السبیل - فمن  
 منع ذلک او حیل عنه و هی زیارة الی قبر رسول الله صلی الله  
 علیه و سلم فلیجعل رحلته و ائینته الی قبر ابراهیم علیه السلام و لیظهر  
 الصلوة و لیکثر الدعاء فهو عنده مستجاب ولن یتوصل به احد الی الله  
 جل ثنائه فی شیء الا لم ینسج حتی یری الاجابة فی ذلک  
 عاجلا او اجلا اکثر کند زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و سلم و درود  
 فرستد بر وی و بر مرد و یاران وی ابوبکر و عمر رضی الله عنهما قبل  
 آنکه مانع پیشش آید و طالب شود در میان شما و در میان زیارت  
 فتنه و فساد زمانه - پس کسی را که مانع پیشش آید یا طالبی است  
 در زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه و سلم پس کوچ کند  
 و بیاید طرف قبر ابراهیم علیه السلام و درود خوانده باشد و کثرت  
 دعا کند که دعا نزد قبر او علیه السلام مستجاب است - و کسیکه در  
 دسیاه گذشت حضرت ابراهیم علیه السلام را بنظر حق تعالی

بکدام حاجت خود خواهد دید اجابت دعا، خود بزاد می باشد یا پدری \*  
 الحجه بعد که در کس سعادت کردیم و به بند سوزنا ابراهیم علیه السلام  
 رسیدیم - ماکن و مشارب ضروری درین بلد همیا انجیر و انگور  
 ارزان از اکثر جاها که سلطانی زاید از بیت المقدس متعین -  
 سواران ترک را زیر اشجار زیتون مخیم و مسکن - سنگ مرمر  
 مفر دشن دو هر کوه و برزن - مشکمانی صغیر و کبیر را اینجا است  
 مخمزن - اکثری برای تجارت در بلاد و امصار برند - و نیزه پدید سشن  
 اقران و احباب کشند - عاجزیم چون در قیمت ارزان دید - چند  
 عدد برای سفره مدیره طیبه خرید \* اکنون تحقیقت روضه مقدسه  
 سیدنا ابراهیم علیه الصلوٰه و التسلیم بگوشش دل باید مشنید  
 که روضه مبارک اندرون بلد با کمال تقدس و شان اراسته -  
 و با هزاران برکات ظاهری و باطنی پیراسته - مشنیدیم عظیم  
 الشان محیط ضمیریم اطهر - رواق و حواصل گرداگرد و قبر آن پیغمبر -  
 در دیوار روضه و مسجد مطاها: مذہب - آیات قرانی جایجا مکتوب  
 و مرتب - گسبند گارشن در رفعت آسمانی بر زمین - و در نزہت  
 گاهستانی بر چرخ چارمین - قبه زرنگار مرصع با حجار مختلف الالوان  
 چمنستانی رنگین - با بوستانی رشک افزای خلد برین - محراب  
 سوسی طوق گامی قمری نوازن - دیوار مرمری موز بهار زمزمین و  
 نسن - سنوشن چون سرو از دو رنگی ازاد - پایه سنگی  
 اسناده مانده شمشاد - سنارده اشش مانند گلن شببو لبان و نهار

سربانند - طاق و روانس چون ادراقی گل یکی با دیگر می هم میبوند -  
 کنایه 'یا قوت رفیعی در خط گلزار - عرو نشش شیوه نو بهار - تخریب  
 خطوط چون کاکل گلرخان با هم پیچان - مرکز و دایره عرو نشش چمن زار  
 سنبلیله صمبران - بین السطور نهر خیا بان باغ رضوان - لوح  
 مزار ششم گلوی حوران بنان - فرش قالبین که مابین روضه  
 گد - نرده اند - طبقه لاله زار بر طبقات زمین افزوده اند - گلهای قالبین  
 که رنگارنگ افشانه اند - بهار ستانی بی غران کاشته اند - در  
 روضه مانند غنچه هر شب سربند - و سحر چون گل تازه  
 شکفته - نقش و نگار دیوار جانی شوسنی و جانی صنوبری - سوراخ  
 عمارت سرتاپا از گل سوری - محاذی روضه اقدس شجره  
 دیگر مدفن ام الانبیا یعنی سیدتنا عارضة رضی الله عنها زوجة سیدنا  
 ابواهم خلیل علیه افضل الصلوة و در حجرات جداگانه سیدنا اسحق  
 و زوجة آن حضرت سیدتنا رقیه و همچنین سیدنا یعقوب و زوجة  
 آن حضرت سیدتنا لایقه - و نیز سیدنا یوسف طی نبینا و علیهم  
 ابلغ النبیات \* هر یکی این پیغمبران در ظل شجره عطاوت  
 یدر وجه بزرگوار خود آرام فرما این بقعه پر نور در حقیقت کاشن  
 انبیا است هر شاخ درین بوستان از تحمل ابراهیمی سر کشیده -  
 و هر گل درین باغ از همان گلین نبوت رسد - اگر گل است  
 دمیده اوست و اگر شاخ و فاست سر بر آورده از چندین ازار  
 عزد جلال از یک شاخه رسالت سر بر زده - و چندین شمار



قنجر و کنهال از همان روزه خلعت بظهور آمده - کویم ابن الکویم ابن الکرام  
 است - حجره بزرگان را زیب و زینتی است جداگانه - و آرایش  
 و اندازی است بگانه - روزه پدر بزرگوار اگر خلد بر نیست بسرم  
 فردوس - نشین جداگانه اگر در جنت المادی جاگزین است بنگرند  
 فرزندش نیز در ارم همسفرین - یک گوشه این باغ اگر  
 در زار است جانب دیگر تحت گل را بهار - و اگر طرفی کسین زار  
 است بهاموی دیگر هر زمان گل نثار - نسیم اگر از مشرق این باغ  
 سحر خیز است شمیم جنت از غرب هم عطر پیروز \* الغرض این  
 زمین هر گانه از ابراهیم است بهر چار سو جنت نعیم است \*  
 گویند که قبور این همه بزرگان حقیقاً در غار است و هر زمان پیشین  
 بوقت مخصوص زانرا ز غار میبرفتند یکبار کسی از امرای عرب  
 در وقت غیر معمول با وصف مما نعست مزورین در غار رفت دید  
 که ام الایمه صید ناسا از رضی الله عنها در شانه کشتی مصروف است  
 مهدنا اسحاق علیه السلام بجمایت مادر بزرگوار خود پرداخت و ظمانچه  
 بر سر او چنان زد که هر دو چشمش کور شد آن امیر چند روز در آنجا  
 مقیم ماند با الحاح و گریه دزاری توسط بر دوش سیدنا ابراهیم علیه السلام  
 آورد و عفوئی تقصیر خواست روزی در خواب بود که حضرت علیه السلام  
 دست شفقت بر چشمش گردانید و آن کور بینا شد از آن  
 روز غار را از هر جانب بد کردند و مستقیم نمودند و بر سقف غار  
 محاذی هر قبر فبری دیگر ساختند و بر آن حجره ها و روضه ها ترتیب

دادند مگر یک طرف قدومی درین غار هم داشتند تا از ایران  
 اران مقام نیز زیارت کنند \* معمول بعضی جناس است که  
 عرایض و کلام تشبیه نوشته در غار اندازند مرد غار ورقعی بنویسد  
 و چند جا آن را مرین بهر سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام گرداند و  
 اسما مبارک هر یک بزرگواران محمد و حین نیز نویسند - و چند  
 ستور عبارت مشتمل بر نام و نشان زیارت حاضرین آن کس  
 و بعضی اشعار بطور صباوات ترقیم کرده بان باجشنند - و آن  
 کاغذ را دستور نام نهند یعنی سند حاضرین آن آستان جنت  
 نشان است گویند که از محترفات مرادین است و الله اعلم بالصواب \*  
 عاجز را هم سندی عنایت کردند چه عجب که سری درین  
 بوده باشد \* مصرع \* کار پانگان را قیاس از خود بگیر \*  
 نقل است که چند کس زیارت سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه  
 رفتند از آنجهان شخصی بود که بر او نام داشت نهایت مرد مسکین  
 و کم فراست - چون همه از زیارت مراجعت کردند و چند منزل بسوی  
 وطن بازگشتند روزی از برادر با خود لطیبت کردند و گفتند که ما هر یکی  
 سند ناخرمی از حضور سیدنا علی مرتضی کرم الله وجهه یافته ایم  
 شما سند در دست دارید یا نه آن بیچاره بر محرومی خود  
 شش در و حیران شده و چاره بجز آن ندید که صحبت یاران بگذاشت  
 و تنها بر مرز اقدس بازگشت و محاورت کرد و زار زار بگریست  
 و سند طلب میکرد - بعد چندمی دستی از غایب ظاهر شد

و در قی مکتوب بآب زر دیوا را غنایست فرمود - و در آن ورق  
همین قدر عبارات مرقوم بود برآوا بری من النار - کتبه حیدر کرار -  
دیوا شادان و فرخان بوطن باز آمد دیاران را خبر داد هر یکی  
ریشک بردند و حسرت خوردند \*

\* خاکسازان جهان را بحقارت منکر توجه دانی که درین کرد حوازی اند \*

الغرض بالفعل خادم روضه ابراهیمی شیخ عمر الحوزی و امام  
مسبحه شیخ خلیل الحوزی همسند مصارف سجده و روضه از اوقاف معین -  
خوان کرم ابراهیمی تا ایندم بهر کد و برزن - یعنی بوقت عصر  
چند دیگ طعام روزانه بخشیده می شود - الحزم بعد که روزی این  
تبرک نصیب عاجزیم شد \*

دانش با دو که جز زوجه مطهره مورد عالم منی الله علیه و علم و این بزرگوار که در  
صبرون ششرفت میدارند تخصیص و تعیین مکان کسبت قبور دیگر  
انبیاء علیه السلام از کتب مستحق نیست و از اینجا است که گفته اند \*

\* و یرعرف قبور الانبیاء جمیعاً \* موی الحزین دما من الرسول \*

### اداب زیارت روضه اقدس

مستحب است برای قاعد زیارت سیدنا ابوهیم خلیف علیه السلام  
که کنار کند از گناهای و توبه نماید بحضرت سبحان بس نیت  
زیارت کند و متوجه شود بر رغبت و شوق و محبت و در اثنا راه کثرت  
این درود نماید اللهم صل علی سیدنا محمد و علی آل سیدنا محمد که اصلیت  
سلمت علی سیدنا ابوهیم و علی آل سیدنا ابوهیم انک جمیل مجید \*

اللهم بارک علی سیدنا محمد وعلی آل سیدنا محمد كما بارکت علی سیدنا ابراهیم  
وعلی آل سیدنا ابراهیم انک حمید مجید برحمتک یا ارحم الراحمین \*  
پس در سجده آید با آیه که سنون است و دعا کند بدعا مانوره  
و بگوید بسم الله صل علی سیدنا محمد وافتح لی ابواب رحمتک \* بعد  
از آن دو رکعت تحبیر المسبح خوانده قصه زیارت کند و بار سوره در  
سخنه اقدس با کمال عاجزی و ادب و استغفار کند و درود  
فرستد بر سید المرسلین صلی الله علیه و سلم - پس بگوید  
السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته ان لا اله الا الله وحده  
لا شریک له و ان محمدا رسول الله و انک عبد الله ورسوله و خلیفه ذوالک الله عنا  
جزاء ما امرنا به پس بگوید صلوات الله الی اهل الرحیم و الملائکة المقربین  
والانبیاء والمرسلین والشهداء والصالحین من اهل السموات و اهل الارضین  
علیک یا ابا الانبیاء یا خلیل الله وعلی و اذک السید الکامل الفانع سید الاولین  
والاخرین سیدنا محمد خلیل الله وعلی آلکما و صحبتکما کما ذکرکم انما ذکرکم  
و غسل عن ذکرکم الغافلون \* بعد ازین هر چه خواهد دعا خواسته متوجه  
شود بطرف روضه مقدسه سیدتنا ساره زوی الله عنها و بگوید السلام  
علیک یا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و رحمة الله و برکاته انما یریک  
الله لیسب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا \* پس سوره شود  
طرف قبر سیدنا اسحاق علیه السلام و بگوید السلام علیک ایها النبی  
الکزیم و رحمة الله و بزرگانه و هر چه خواهد بخواند - پس  
زیارت قدسی چند مرتبه قبر سیدتنا رقیه رضی الله عنها و بگوید

چنانکه گذشت - پس با آداب تمام بسوی سیدنا یعقوب علیه السلام آید و مطابق تصریح است بالا زیارت وی و زیارت زوجه وی سیدتنا لایقه کند بعد از آن بطرف حجره سیدنا یوسف علیه السلام آید همچنان عمام کرده در طرفیکه اینجا اثر قدم مبارک سید الانبیا صلی الله علیه و سلم است برود و زیارت کند و مس نمازد و ثانیاً در نیمه طرفت شباک شریف سیدنا ابراهیم خلیل علیه السلام بجائیکه مقابل قبر سیدنا یعقوب علیه السلام است و اینجا مشرف است شود و اجتهاد بدین نماید که محاسن قبول دعا است پس درود فرستد بر جمیع انبیا و سرور کائنات صلی الله علیه و سلم اجمعین اینجا جماع بزرگوار با ازدواج سطهرات خود آرام فرماید بسوای سیدنا یوسف علیه السلام که بعد مدت نهمین مبارک را حضرت موسی علیه السلام از مصر درین محل آدرند مصر را در کتب تواریخ موجود و زوجه حضرت یعنی سیدتنا زینباً رضی الله عنها همچنان در مصر ماند تا مدت مراجعت در مصر از قبرش نشان جست مکانش بویضا نیست دریای نیل آن را ببرد همچنان از بنجر خانه حضرت زینباً رضی الله عنها خبر گرفتیم آن عمارت هم داخل دریای نیل شده گویند که بستونی از آن باقیست آگاه باشی که حضرت زینباً را با تعظیم یاد کند که در قطع نظر فضیلت این بیت نبوت در فضائل هرگاه هست یعنی در اینها طایفه در اعقاب معشوق نبی شده کنعان متصل

بلد سیدنا ابراهیم خلیل الله علیه السلام است اکنون باکل ویران -  
و اینجا کوهی است مشهور به جبل کنعان \*

قبور اولیاء الله در بلد خلیل الرحمن \*

شیخ طی بکه علیه الرحمة گزیند که نسبت و خصوصیت بوابی در  
حضرت سیدنا ابراهیم خلیل الله علیه السلام دارند \* شیخ ابوبکر شبلی  
علیه الرحمة فیوض از مرار اقدس محیط مستفیضان در شرح مانند  
باران \* و در گوشه قبر شخصی از خدام حضرت شیخ طی کهنه پوش  
ادهمی علیه الرحمة من اولاد سیدنا ابراهیم ادهم علیه الرحمة گویند که هفت  
سنگریزه از آن قبر بردارند و سلامت سفر کند \* شیخ  
ابو الریش علیه الرحمة من المجاهدین \* شیخ برهان الدین جابری \* شیخ  
اوسی من المجاهدین \*

## فصل بیست و یکم

در زیارت سیدنا نوح و هیدنا لوط علیهما السلام

قریب بلد خلیل الرحمن \*

قبر سیدنا نوح علیه السلام بمحاذت سه کوه از صبرون واقع و راه  
باعث تراکم جبل محنت گذار - لیکن شهادت چینی و بغال  
وقت حاجت بکار - روضه مقدس فی آرایش ظاهری در میان  
جبال و اجبار - فلاصین که مراد از دهقان باشد در اطراف آن  
کاشت کار - گندم و جو در گنبد شریف جا بجا انبار - شخصی کابلی

هندی دان در انجا خدمت گذار - سه قبه دیگر چیزهای به عبادت از روضه  
 اقدس مقام بعضی اولیاء کبار - اول ظهر از جبردن راه زیارت  
 گرفتیم وقت مراجعت چون شب شد قدری زحمت کشیدیم  
 زایرین را نباید که اول نهار قصد این زیارت کتبه تا بروز  
 روشن برامت مراجعت نمایند پس از آن روزی دیگر سواری  
 شریفی جوئی بریارت حیدرناطو علیه السلام رفتیم ربع این راه  
 منجم کرده برای شریف عبدالرود - راکب و مرکب هر دو مخطور -  
 روضه مبارک هر کوهی نمایان از دور - در جانبی زیر دامن کوه بحر  
 شود - قبه شریفی محاط از سور - و در آن یکدالان مسجد  
 مشهور - و چند خاوت در آن حسب دستور - ایتامی بر روضه جز این  
 نیست که یک سه ار ترک برای حراست ماسور - و دو بک  
 مراد همین دیوه خادم روضه بر نور - بعضی ساکنان اینجا که چند خانه زاید  
 نباشند چیزی ذمی مندر \* لیکن بالفعل از داروگیر عساکر حاکمانی  
 مجبور - خانهای خود خالی گذاشته مندر \* آگاه باشید که اینجا جز آن  
 سواری به شریف جوئی قصد نباید کرد این زیارت اقرب  
 است از زیارت حیدرناطو علیه السلام خادم روضه در غاری  
 بدالان مسجد نشان داد که اینجا هست مدفن حضرت ابراهیم  
 ادهم علیه السلام و هفتاد انبیا علیه السلام و اعم بالصواب \*

## فصل بیست و دوم

در زیارت زکریا علیه السلام \*

حاجز سه روز در خلیل الرحمن مقیم مانده و از زیارت انجا فراغت یافته بروز چهارم سفر مراجعت را کمر بستیم و زیارت اثنای راه البتّه در میان عیال بود لیکن آنقدر طایع و نرزدن که اندک یا فایده ندیدیم هرگز دیده نشد راه یا فایده از حبرون اسفل از بیت المقدس. پس زایر خلیل الرحمن را احتیاج نیست که در بیت المقدس رجعت قیصری کند بلکه ضرورت محنت هر خود لازم گیرد الغرض وقت عصر در بلد میلنا زکریا علیه السلام وارد شدیم انجا جز زیارت حضرت علیه السلام زیارت دیگری نیست و آن در صحن مسجدی است که در آن درمی و نه درمائی - و نه شوکتی و سنائی - این مقام قریه است خوردن - و مسکن بعضی فلاحین و مساکین بی سیم و زر - بیچاره یسویست و نشین هم در سمت ندارند دیقه و دو سه بیگذرانند و باوصف آن شرایط مهمان نوازی و کوازم مسافر پروری با حسن وجه بجای آرند حاجز که در همان مسجد شب اقامت برزید جماعه خاکدان آن قریه فراهم آمد کسی دست می بوسید و کسی نان و پنیر پیش می کشید مرغ و پیغز نهایت ارزان و بیچنین است رسم دیده در دهقان \*



## فصل بیستم و سوم

در زیارت مقام لد بروزن غد

وقت مراجعت یعنی میداننا شمعون علیه السلام و حکیم لقمان و بعضی صحابه کبار طیبم الرضوان و اکثر اولیاء اللہ مثل ذوالنون مصری و غیره قدس الله احوالهم از بلد میداننا ذکرنا علیه السلام چهار گمرتی روز برآمد سوار شدیم وقت عصر در مقام لد رسیدیم و بروضه اقدس میداننا عبد الرحمن بن هوفرضی الله عنه طرح اقامت افگندیم و کمال راحت یافتیم خادم اینجا مسمی عبد الرحمن در خدمت معافران گمر بستہ مادرش باعث وفات شوهر خود که نوزده روز گذشته بود سخت رنجور و دل خسته دالان بیرون قبر شریف اقامت مسافران را کافی اشجار عنبت و تر و رمان و زیتون و ریغره در دیوار را حادی دآب چاه با استعمانت دلاب از هیچ نامهرب جاری باغیچه صغیر پرده دار برای گذران مستورات واقفی بدانکه قصه صغیر اسمیست لد بگرام و نشدید دال بروزن ضد از مقام و ماہ منزه کرده بالا متصل غالباً نیم کرده کامل باشد این عزیز بر ما نرفتم که از زیارت اینجا بیشتر فارغ شده بودیم نان و لحم و اکثر سامان اکل و شرب ميسر در لد و مقامات زیارت حسب تفصیل ذیل بیشتر چون بافا از اینجا مسافت سه ساعت راه بود روز دیگر تا ظهر اینجا مقیم ماندیم و درین

آشنا که فرصت دو وقت یافتیم از زیارت اینجا مشرف شدیم  
 معنایم شد که زیارت حضرت لقمان حکیم علیه الرحمته نیز قریب  
 است چون بار اول هنگام دخول رمله باعث غلطی مکاری یعنی  
 صاحب البغال آن زیارت فوت شده بود اکنون بتلافیش  
 برداشتیم - و راه آن زیارت گرفتیم - و در ساعتی بدان مکان رسیدیم -  
 و زیارتش کردیم - مزار مبارکش قریب است از شارع عام -  
 و در حجره مسجد می صغیر آنرا مقام - و در صحن مسجد بسروش  
 در آرام - باید که در هر دو رمله از بافاکاری را تا کید کنند که چون در آن  
 محفل رسد ضرور سوار می تا اینجا کند تا کسی از بیخسری مثل حاجز در  
 منالطم نماند و بار اول وقت رفتن رمله در ک این سعادت بنا  
 مشقت میده اید \* زیارت حضرت لقمان علیه الرحمته مانند دیگر  
 زیارات لازم باید گرفت که حق تعالی در قرآن مجید آنرا ستوده  
 است ولقد اتونا لقمان الحكمة ان اشکر الله کفنه انه ک لقمان علیه  
 الرحمته از هزار نبی علم آموخت و هزار نبی را آموزاید \* نفل است  
 که حق تعالی چون آنرا مخیر کرد آید در میان حکمت و نبوت او حکمت  
 اختیار کرد \* درین محفل نکته لطیف اینست که با و صفت حاورت نبوت  
 نبوت حکمت را چرا اختیار کرد خردمندان گفته اند که چون مولی  
 بنده را سه فرزند فرماید دختلی از خاتهایش بخشد و بنده را در آن  
 مجاز و مخیر گرداند پس داب ادب و مقتضای عهودیت آنست  
 که ادنی را اختیار نماید تا بهضم نفوس و عجزش بسند مولی آید و در

دشمن جاگزینند و رضای مولی موجب هزاران انعام و بخشش  
 شود و نیز بنده را هنوز حقیقی بر مولی یافنی ماند که آن باد صفت  
 تخمیر بر ادنی اکتفا ورزید پس لابد مولای عادل بزرگتر نسط هم  
 باشد می رفتنش بخشید چنانکه بحضرت لقمان علیه الرحمته بخشید که  
 هزار نبی را شاگردش فرمود و او را مصداق و من ادنی حکمة  
 فقل ادنی حمیرا کشید و گردانید \*

### تفضیل قبور و زیارات بزرگان در مقام ابد

قبر نبی الله صلینا شمعون علیه السلام از اولاد سیدنا یعقوب علیه  
 السلام اندرون بلد است و باعث امتداد زمان جز یک محراب  
 و دیگر هیچ آثار قبر هویدا نیست \* مقام نبی الله صلینا ادریس علیه  
 السلام در جامع کبیر از همین مقام حضرت زید دور جنت رفت -  
 قال الله تعالی و رفعتنا مکانا علیا \* قبر سیدنا سلمان فارسی رضی الله  
 عنه من اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم و نیز بر طور زینا در  
 بیت المقدس که ذکرش در گذشت با اصناف \*  
 قبر سیدنا عبد الرحمن بن عوف رضی الله عنه من الصحابة با اصناف  
 روایت چرا که در مدینه طبریه هم در بقیع مرویست \*  
 قبر سیدنا مقلد رضی الله عنه من الصحابة \* قبر حضرت  
 ذوالنون مصری قدس سره \* قبور چهل بزرگ از خاندان  
 علیهم الرحمه \* قبر عبد المؤمن من اولاد سیدنا \* در خطاب  
 رضی الله عنه \* قبر شیخ احمد زکی علیه الرحمته من اولاد الانصاره قبر

شیخ محمد جازم و شیخ محمد جبر علیهما الرحمة فی قبور واحد \* قبور  
 شیخ محمد فاجی و شیخ عبد الله ناجی و شیخ حسین ناجی علیهم  
 الرحمة فی مقام واحد \* زاید و سعد و سعید علیهما الرحمة \* قبر احمد  
 فرع علیه الرحمة \* قبر شیخ صالح الیهی علیه الرحمة \* زاویه  
 العمرف علیه الرحمة \* قبر شیخ عووات علیه الرحمة \* قبر شیخ حسین  
 العمدی علیه الرحمة \* قبر شیخ طه علیه الرحمة \* قبر شیخ محمد بن  
 عبد اللطیف من اولاد عبد المؤمن علیهم الرحمة \* وقت ظهر از راه  
 سوار شدیم و در اثنا راه زیارت حضرت لقمان حکیم علیه  
 الرحمة کرده مغرب در یاقا خواندیم و بمکان سید عبد العزیز دفا که  
 ذکرش بالا رفت فرد آیم بعضی از مدرسین مسجد جامع یاقا  
 مایان را محرم و م دیده بمنظرش شدند که بیت المقدس میقتات  
 احرام نیت چون احادیث متذکره بالا که در فضایل احرام از بیت  
 المقدس نوشته شد از نظر آنها در گذشت سکوت کردند بل  
 منبذ شدند الغرض بانظار رسیدن مرکب دخانی تا بهشت روز  
 در یاقا مطلق نشستیم چون مرکب قوم رو سیان رسید سوار  
 شدیم و در یک شبانه روز حسب دستور در اسکندریه  
 مراجعت کردیم حکیم محمد اسماعیل صاحب در یاقا به تلامذہ تب  
 شدند و تا اسکندریه رسیده مرض شدت کرد و یرقان  
 قبل السابع لاحق شد حالت رومی گردید بالاخر در مصر شنب  
 جمع سوم ربیع الاول بخالد برین شتاقتم اللهم اغفر له مایان

در جامع اثر هر دو افسی از روانها جاگزیدیم و آن روز متوقف  
 ماندیم بسبب آنکه در روانگی مرکب دغانی از سوس تا جده  
 توقف و تراخی بسیار سموع شد بعد از آن بمقتضای آنکه الانتظار  
 اشک الموت مصالحت چنان نمود که سنوق مغنبر که مراد از کشتی است  
 اختیار باید کرد چنانچه در سوس آمدیم و کسی انتظار برای مرکب  
 دغانی کردیم نیافتیم لاجرم سنوق را اخبار کردیم و البته باعث معیبت  
 سوادمی زمانی چیزهای زحمت کشیدیم سنوق در تلامطم بسیار نهد و بالا  
 می شود و بر روی آب راست نمی رود اگر چه دریا از سوس تا جده  
 ناپیدا کناره نیست بلکه هر دو جانب کناره از نظر میگردد لیکن آخر  
 مستزاد بحر قزقم است سنوق چگونه تاب امواج آن توان آورد  
 متحمل است که سنوق تمام روز میرود و شب بعضی جا بکناره  
 بروق رای عرب مثل دور سیناد و به دینبع در ایس و جا بیکه کناره  
 بعید است در شعوب جبال که مراد از کوه زیر دریا است لنگر  
 میگزینند لغرض در دوازده روز بصحبت و بغایت در جده رسیدیم  
 بعضی حکایت سفر مراجعت هم قابل نقل بود لیکن وفات حکیم  
 صاحب مرحوم که محبتی خاص با عاقر داشتند عزادت شوق این تحریر  
 را افسرده نمود و هم کلام طویل نامسموع و سخن بیهوده را از نامطوع  
 پس دست از قلم کشیدیم و برین جزوی اکتفا در زیدیم و ابن آدم یا  
 غریب الدنیا یا عابد صبیح - فانی منی هذا التطویل - وما بقی من العمر الا  
 البقیل - و انما منهمک فی الذات - و مصرطی فعل المنکرات - و القلب مدک

عایل - و انذبا جال زایل - ~~م~~ قتل - کم قتل من قتل - فلا تطمع فی -  
 الهوا و انذک الدعوی - و کن عیدا ذلیلی - و الزم باب ربک و اترک ما  
 یعجبک من القال و القیل

\* نظم \*

هدیج است به بین نومویدین را \* \* بر هدیج مهیج خویش تن را  
 بر جورج ستاز و بر هدیجش \* \* بر صلیح مهیج و بر سعیدش  
 دیلاب غم است دور سرورش \* \* طوفان بلاست در تدورش  
 اینجا شجری نشد بتروماند \* \* کش بان فدا ز پا ندهگند  
 اینجا همه رخت خانه فیل است \* \* داستان همه فوچه رحیل است  
 تا چغند فدا پندیده بودن \* \* بر هدیج نظاره بند بودن  
 فیرنگ فدا است پرده بشکاف \* \* سیمرخ بقا سجو ازین قاف  
 تو آله یا و کاروک تیز \* \* برخیز ازین کرموه برخیز  
 هرچند مقام داپندیر است \* \* زین مرحله کوچ ناگزیر است

**قطعه تاریخ زیارت بیت المقدس \***

بحمد الله دیدم زدی انصی \* \* کدیر بنیاد تقویا شد موسس  
 چه خوش تاریخ مولانا مرگفت \* \* عبادت الله فی بیت المقدس

تمام شد

